

گروه قیدی

چکیده

در این مقاله قیده‌ها را به دو دسته قید فعل و قید جمله تقسیم کرده و کوشیده‌ایم براساس ملاک‌های معنایی از قبیل ایجاد گزاره جدید، گزاره متضاد و محدودیت هم‌آیی و ملاک‌های نحوی مانند ساخت همپایه، ساخت اضافه و ساخت قید + مصدر به بررسی تمایز بین این دو بپردازیم.

کلیدواژه‌ها:

قید فعل، قید جمله، ملاک‌های معنایی، ملاک‌های نحوی.

مقدمه

قید یکی از اجزای کلام در تقسیم‌بندی کلمات است که از دیرباز مورد توجه دستورنویسان بوده است. بعضی از دستورنویسان آن را کلمه یا گروهی تعریف کرده‌اند که بخشی از جمله است و جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا توضیحی به آن می‌افزاید (حقوق‌شناسی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۵). اگر جمله را به نهاد و گزاره تقسیم کنیم، گزاره می‌تواند علاوه بر فعل عناصر دیگری همراه خود داشته باشد. از میان این عناصر، برخی اسم یا گروهی اسمی هستند که فعل آن‌ها را انتخاب کرده و حضور آن‌ها ضروری است و در شمار موضوع‌های^۱ فعل به حساب می‌آیند اما برخی عناصر دیگر که فعل جمله آن‌ها را انتخاب نکرده است و می‌توان آن‌ها را حذف کرد، افزوده‌ها^۲ هستند که یکی از این آن‌ها گروه قیدی است.

۱. الف) دیروز حسن برگشت.

ب) حسن برگشت.

در جمله ۱ الف دو گروه اسمی (دیروز و حسن) وجود دارد. فعل جمله ناگذر است و تنها یک گروه اسمی را به عنوان موضوع انتخاب می‌کند و با حذف آن جمله نادرستی خواهد شد. گروه اسمی دیروز نقش قید دارد و با حذف آن خللی در معنای جمله ایجاد نمی‌شود. حق‌شناس و دیگران قیده‌ها را براساس ساخت ظاهری‌شان به دو دسته قیده‌های نشانه‌دار و قیده‌های بی‌نشانه

صادق محمدی

بلیان آباد

کارشناس ارشد

زبان‌شناسی همگانی

و دبیر ادبیات

دبیرستان‌های

بلیان آباد دهگلان

کردستان

تقسیم می‌کنند. قیده‌های نشانه‌دار را به کلمات تنوین‌دار، پیشوند قیدساز + گروه اسمی و متمم‌های قیدی = حرف اضافه + اسم / ضمیر و قیده‌های بی‌نشانه را به قیده‌های مختص، گروه اسمی مشترک با گروه قیدی و صفت مشترک با گروه قیدی تقسیم می‌کنند. آن‌ها همچنین قیده‌ها را براساس عنصری که در جمله بدان وابسته می‌شوند، به عنوان قید فعل، قید صفت، قید قید و قید جمله می‌شناسند و برای هر کدام به ذکر مثالی بسنده می‌کنند. قید جمله قیده‌هایی هستند که به تمام جمله وابسته‌اند و توضیحی به کل جمله می‌افزایند؛ مثلاً در جمله «خوشبختانه امید درس می‌خواند»، قید «خوشبختانه» وابسته کل جمله است اما در جمله «امید خوب درس می‌خواند» قید «خوب» وابسته فعل است و آن را مقید کرده است و به آن قید صفت می‌گویند. قید قید کلمه‌ای است که وابسته قید دیگر است. آن‌ها در این مورد به همین مختصر بسنده کرده و در مورد ویژگی‌های این نوع قیده‌ها بیشتر بحث نکرده‌اند. ما در این مقاله می‌کوشیم با استفاده از ملاک‌های معنایی و نحوی متیوز^۳ (۱۹۸۱) به تمایز بین قید فعل و قید جمله بپردازیم. در بخش دوم به تفاوت قید فعل و قید جمله از نظر معنایی و در بخش سوم به تفاوت این دو از نظر نحوی خواهیم پرداخت.

۲. ملاک‌های معنایی

جمله‌های زیر را در نظر بگیرید.

۲. الف) امید درس می‌خواند

ب) خوشبختانه امید درس می‌خواند.

۳. الف) علی می‌دود.

ب) علی آهسته می‌دود.

۴. الف) امید کتاب را خواند.

ب) امید دیروز کتاب را کلمه به کلمه خواند.

در این جمله‌ها «خوشبختانه، آهسته، دیروز و کلمه به کلمه» قیدند. برای تشخیص گروه قیدی از سایر اجزای جمله، ساده‌ترین



قیدها را نه
بر اساس شکل
ظاهری آن‌ها
بلکه بر اساس
نقششان در
جمله می‌توان
به دو دسته
تقسیم کرد

محدودیت در کاربرد این قیدها می‌شود. (جمله‌های ۶)
۵. الف) خوشبختانه دیروز امید آریا را دید.
ب) خوشبختانه امید دیروز درس را خواند.
پ) خوشبختانه امید دیروز دزد را گرفت.
۶. الف) امید دیروز آریا را آهسته* / کلمه به کلمه* دید.
ب) امید دیروز درس را آهسته* / کلمه به کلمه خواند.
پ) امید دیروز دزد را آهسته* / کلمه به کلمه گرفت.
مجموعه استدلال‌های فوق نشان می‌دهد که قیدها را نه
بر اساس شکل ظاهری آن‌ها بلکه بر اساس نقششان در جمله
می‌توان به دو دسته قید فعل - که گروه فعلی را مقید می‌کند -
و قید جمله - که کل جمله را مقید می‌سازد - تقسیم کرد. در
بخش (۳) برخی استدلال‌های نحوی را نیز برای تمایز بین قید
فعل و قید جمله خواهیم آورد.

۳. ملاک‌های نحوی

برای تمایز قید فعل از قید جمله، ملاک‌های نحوی نیز وجود
دارد. ملاک اول را می‌توان در ساخت همپایه جستجو کرد؛
به این ترتیب که می‌توان دو قید فعل را در ساخت همپایه
قرار داد (۷ الف)، اما نمی‌توان قید فعل را با قید جمله در این
ساخت آورد (۷ ب) و همچنین نمی‌توان دو قید جمله را در
ساخت همپایه آورد (۷ ج). این معیار نشان می‌دهد که این دو
قید ویژگی‌های متفاوتی دارند و از همین رو نمی‌توان آن‌ها را
در ساختی همپایه قرار داد.

۷. الف) امید کتاب را آهسته و کلمه به کلمه خواند.

ب) *امید کتاب را خوشبختانه و آهسته خواند.

پ) *امید کتاب را خوشبختانه و دیروز خواند.

ملاک نحوی دیگر مربوط به استفاده از ترکیب قید + مصدر به
جای اسم و کاربرد آن‌ها در ساخت اضافه است. می‌دانیم که اگر
«تصادف کردن» را مصدر فعل مرکب در نظر بگیریم، می‌توانیم
آن را به صورت اسم و در نقش مضاف در ساخت اضافه بیاوریم.

راه، حذف آن است بدون اینکه خللی در معنی ایجاد شود (جملات
۲-۴ الف). نکته مورد نظر بحث ما در این جملات به تمایز بین دو
نوع قید، یعنی قید جمله که کل جمله، و قید فعل که فعل را مقید
می‌کند، برمی‌گردد. قیدهای «خوشبختانه و دیروز» قید جمله و
قیدهای «آهسته و کلمه به کلمه» قید فعل‌اند. ملاک‌های معنایی
که می‌توانند این تمایز را نشان دهند، از این قرارند:

اول اینکه می‌توان قید کلمه به کلمه را همراه با فعل خواندن
به عنوان گزاره جدید در نظر گرفت و دو گزاره «خواندن»
و «کلمه به کلمه خواندن» را درست کرد که از نظر معنایی
متفاوت‌اند و گزاره دوم نوعی از خواندن است و در زیر شمول
معنایی «خواندن» است، اما نمی‌توان قید جمله را همراه با فعل به
عنوان گزاره جدید آورد؛ بنابراین نمی‌توان گفت که «خوشبختانه
خواندن» و «دیروز خواندن» نوعی خواندن هستند.

دوم اینکه گزاره‌های «آهسته دوییدن» و «کلمه به کلمه خواندن»
در جهان خارج مصداق خاصی دارند، در حالی که «خوشبختانه
خواندن» و «دیروز خواندن» دارای چنین مصداقی نیستند. از
این رو، می‌توان گروه اول را یک گزاره دانست و برای آن‌ها
گزاره‌های متضادی مانند «تند دوییدن» و «بی‌دقت خواندن»
را در نظر گرفت؛ در حالی که گروه دوم نمی‌تواند متضادی
همچون «متأسفانه خواندن» و «فردا خواندن» داشته باشند و
این‌ها اصلاً ترکیبات قابل قبولی نیستند.

ملاک دیگر معنایی این است که قیدهای جمله (خوشبختانه
و دیروز) می‌توانند در بیشتر جملات و با فعل‌های مختلف
ظاهر شوند؛ یعنی بین آن‌ها و افعال محدودیت هم‌آیی و
رابطه یک به یک وجود ندارد و می‌توانند با اکثر فعل‌ها ظاهر
شوند (جمله‌های ۵). در حالی که قیدهای فعل (آهسته و
کلمه به کلمه) را نمی‌توان مانند قیدهای جمله در هر جمله‌ای
به کار برد و با هر فعلی همراه آورد. به عبارت دیگر، بین
معنای قید فعل و معنای فعل رابطه‌گزینشی وجود دارد و هر
فعلی همراه با تعداد محدودی از قیدهای فعل می‌آید و باعث